



درسنامه‌ی درس: نه



رنج‌هایی کشیده‌ام که مپرس



معتبر: با اهمیت	طرز: شیوه	رحمہ الله علیہا: رحمت خدا بر او باد	هجری: دوری
سپاهی: نظامی	متون: جمع متن، نوشته‌ها	معاصر: هم دوره ما	غریب: نا آشنا
دارو ندار: دارایی	طب: پزشکی	سرشار: پر	عظیمی: بزرگی
تعلیم: یاد دادن	تحقیق: بررسی کردن	صمیمی: همدل	اساسی ترین: مهم ترین
تکمیل: کامل کردن	نقل: بازگو کردن	سستی: ضعف	دچار: گرفتاری
شهرت: معروف بودن	رحلت: در گذشت	زهر: سم	درگذشت: فوت کرد



هجری: هجرت، مهاجرت، هاجر	مفصل: تفصیل، تفصیل	مراجعه: رجوع، مرجوع، ارجاع
معرفی: تعریف، تعاریف، معرفت	شهرت: مشهور، مشاهیر	صحیح: تصحیح، صحت، مصحح
مختلف: اختلاف، خلاف، مخالف	عظیم: تعظیم، عظمت، معظم	معتبر: اعتبار، عبرت، تعبیر

لغات املایی

دهخدا، خان بابا خان، علوم قدیم، تعلیم، معلومات خویش، مفصل ترین، تالیف، عظیمی، مشغول، تقریباً-
تعطیل، دایره المعارف، متون معتبر، تحقیق، غفلت، تاخیر، مطالعه، مظلومیت، معاصر، صمیمی، آثار، ضعف،
لحظات، منظور، زهرهجر، برگزیده ام، غریب، رحلت، علامه، خاطر، برمی خاستم، حافظه، اساسی ترین

❖ تاریخ ادبیات

❖ علی اکبر دهخدا:

لغت شناس و نویسنده ی معروف. برخی آثار او عبارت است از: لغت نامه، امثال و حکم، ترجمه ی
روح القوانین، تصحیح دیوان حافظ